

بلکه رستم یزید

داستان یزید منشی های پهلوی با # غیرت و # هیئت



روزگاری در این مرز و بوم، هم گریه و روضه برای امام حسین ممنوع شد!
و هم غیرت، برای حفظ حجاب و ناموس!!
و غیرت ها را یزیدیانی بردار آویختند که از قدرت حب حسین در دل مردم و
گریه برای حسین می ترسیدند.
و این دشمنی علنی و هتاکانه تنها در دوران یک پادشاه اتفاق افتاد.
رضاشاه!! پادشاهی که هتاکشی شیوه اش بود و عیاشی روش خاندانش...

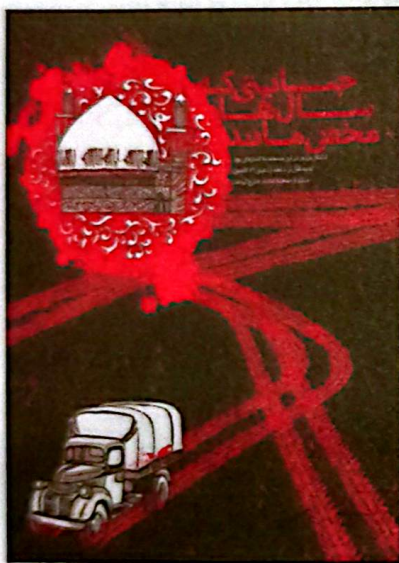
به رسم یزید

رضاشصت تیر، رضا ماکسیم، رضاخان میرپنج، عناوین قزاق ۴۳ ساله‌ای بود که توسط سیاستمداران انگلیسی برای سلطنت در ایران انتخاب شد. وی طی یک کودتا با فرماندهی قزاق‌ها به سلطنت رسید.

در میان پادشاهان ایرانی کسی که بیش از همه رسم و شیوه و اقداماتش یادآور یزید و روش اوست، رضاشاه است.

اول آنکه سلسله‌ای که رضاشاه بنیان نهاد مانند یزید، مُروجان علنی شراب و قمار و هرزگی در جامعه بودند.

در دومین شباهت او با یزید همین بس که او تنها پادشاه ایرانی بود که به حرم امام رئوف حمله کرد، همچون یزید که تنها حاکم عرب بود که به خانه‌ی خدا حمله کرد. حمله‌ی



رضاخان به مسجد گوهرشاد در جوار حرم امام رضا علیه السلام به عظیم‌ترین و مظلومانه‌ترین نهضت تاریخ جهان در دفاع از حجاب تبدیل گشت. قیامی که در آن ۲۰۰۰ ایرانی غیور برای دفاع از ناموس و غیرت و حفظ ارزش‌های اخلاقی و دینی خود توسط عمال رضاشاه به گلوله بسته شدند و زنده و مرده‌شان با ۵۶ کامیون از حرم خارج شده و در گورهای دسته جمعی دفن شدند. در حالی که فریادهای «ما زنده هستیم» بعضی‌هاشان در هنگام دفن به گوش می‌رسید.

... و اما شباهت سوم

با توجه به علاقه‌ی وافر ایرانیان به خاندان اهل بیت علیهم السلام، رضاخان در ابتدا برای جلب نظر عمومی، به شدت خود را فردی مذهبی معرفی کرده و در مراسم عزاداری محرم در حالی که گل برپیشانی می‌مالید، دسته‌ی عزاداری قزاق‌ها را به شکل باشکوهی راه می‌انداخت^۱ اما پس از اطمینان از تاج و تخت سلطنت خود، روش دیگری را در پیش گرفت. او در ابتدا با بهانه‌های مختلف سعی داشت مراسم عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام را به ابتذال بکشانند.^۲

۱. داود امینی، چالش‌های روحانیت با رضاشاه، ص ۷۷-۷۸.

۲. همان، ص ۲۳۹ و خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۱۳ - ۱۳۲۲)، سازمان اسناد ملی ایران، ص ۱۴۴.

و کم کم از سال ۱۳۱۱ به شکل قانونی با آن مبارزه کرد.^۱ در محرم و صفر سال ۱۳۱۴ راه اندازی دسته برای ایام سوگواری ابا عبدالله علیه السلام و ذکر مصائب سیدالشهداء حتی در مراسم ترحیم ممنوع شد^۲ و در سال ۱۳۱۶ هرگونه روضه خوانی جرم تلقی شده و ممنوع گردید^۳ و بدین ترتیب جو خفقان آمیزی حکم فرما شد تا جایی که حتی اگر ۳ نفر در خفا و پستوی خانه ی خود می خواستند روضه و عزاداری برپا کنند، مأموران حکومتی آن ها را دستگیر کرده، محاسنشان را تراشیده و پس از شکنجه به حبس و زندان محکوم می کردند.^۴

رضا خان یک سال قبل از سرنگونی و تبعیدش اوج شاهکار خود در تقابل با اهل بیت علیهم السلام را به نمایش گذاشت. وی در شب عاشورای سال ۱۳۱۹ با دعوت از عملی مطرب و فواحش، مراسم کارناوال شادی را با رقص و پایکوبی در کامیون های روباز و متحرک در خیابان های شهر، اجرا کرد تا آینه ی تمام نمای یزید در زمانه ی خویش و یادآور ظلم ها و هتاکي های اوبه خاندان اهل بیت باشد.

و همچنان که ظلم و خودکامگی یزید و ایستادگی حسین علیه السلام و خاندانش، قیام عاشورا، عظیم ترین نهضت تاریخ جهان را رقم زد.

ظلم و خود باختگی رضاشاه و ایستادگی مردم ایران نیز، عظیم ترین و مظلومانه ترین نهضت تاریخ جهان را در دفاع از حجاب رقم زد.



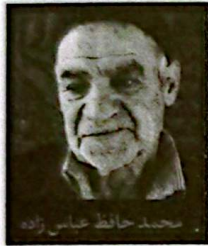
روزگاری به فرمان یزید
چادر و معجز از سر زنان اهل
بیت امام حسین علیه السلام کشیدند،
کتک زدند و شهید کردند...
و روزگاری نه چندان دور به
فرمان رضاشاه چادر از سر زنان
باحیای ایرانی کشیدند کتک
زدند و شهید کردند...

۱. افسانه و واقعیت، مریت هاکس، ص ۱۹۱ و ۱۹۲
۲. واقعه کشف حجاب، مرتضی جعفری، صفری اسماعیل زاده و معصومه فرشچی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ص ۲۰۰ و حمید بصیرت منش، علما و رژیم شاه، ص ۱۴۳
۳. خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۱۳ - ۱۳۲۲)، به کوشش مدیریت پژوهش، انتشارات و آموزش، تهران، ص ۱۹
۴. پهلویسم یا شبه مدرنیسم در ایران، مجتبی زارعی، رضا مختاری، ص ۱۷ و ۱۸
۵. علما و رژیم شاه، حمید بصیرت منش، ص ۴۸۱
۶. تاریخ بیست ساله، حسین مکی، ج ۱، ص ۲۵۴



و این بار برخلاف یزید که با امام حسین علیه السلام جنگید اما نهایتاً اجازه‌ی عزاداری برای او را داد، رضاخان حتی اجازه‌ی عزاداری برای قیام عاشورا و امام حسین علیه السلام را نیز به مردم نداد.

خاطرات مردم از روزه‌های خفقانِ ممنوعیت #روژه و #حجاب به فرمان رضاشاه



به جرم روزه خوانی

مأمورها ریختند و مراسم روزه را به هم زدند. من دستگیر شدم. داخل زندان از همه جنس بودند. قاتل، دزد و... صبح رئیس پاسگاه آمد. افراد داخل زندان را یکی یکی برایش معرفی کردند: این چاقوکش است، این خفت گیر است، من را هم معرفی کرد: «این روزه خوان است!»^۱



برای دفاع از ناموس کشورش به زندان افتاد

آیت الله سید محمود طالقانی در سال ۱۳۱۸ به علت درگیری با پاسبانی که به اجبار قصد برداشتن چادر زنی را داشت به زندان افتاد.^۲

مادر بزرگم را آن‌ها کشتند

مادر بزرگم از بزرگان کاشان بود، خانه‌شان ۳۰ متری حمام بود، اما یک روز در همین مسیر کوتاه، سربازی برای اینکه چادر را از سرش بردارد، دنبالش می‌کند و او از پله‌های حمام پرت می‌شود پایین و بر اثر همین ضربات بعد از چند روز فوت می‌کند، در حالی که در آن زمان دو فرزند ۶ و ۹ ساله داشت.^۳

۱. زندان‌های همیشه پر، علیرضا اشرفی نسب، روایت‌هایی کوتاه از مقاومت‌های مردمی در مقابل قانون ممنوعیت روزه، ص ۳۴

۲. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۳۳۲

۳. خاطره از مادر بزرگ خانم پریدخت فرش باف از کاشان

هيئت روضه خواني در حمام



يکي يکي بقیچه‌ی لباس را می‌گرفتند دستشان و می‌رفتند حمام عمومی روستا. در را می‌بستند، آرام روضه می‌خواندند و برای مظلومیت امام حسین و اهل بیتش علیهم‌السلام گریه می‌کردند. حمام روستا تنها جایی بود که مأموران و جاسوسان رضاخان، فکرش را هم نمی‌کردند...^۱

مادرم ۲۱ ساله بود که چماق داران رضا شاه او را کشتند

من یک ساله بودم که یک روز پاسبان به مادرم و همسایه‌مان حمله می‌کند و چادر را از سرشان می‌کشد. بر اثر همین حملات مادرم سقط جنین می‌کند و به دلیل خونریزی شدید ۱۶ روز بعد می‌میرد، در حالی که ۲۱ سال بیشتر نداشت.^۲

بی‌حرمتی



جلسه‌ی روضه گرفته بودیم که امنیه‌ها ریختند داخل. حرمت مسجد را هم نمی‌فهمیدند از خدا بی‌خبرها. سماورها و قوری‌ها را پرت کردند و تمام استکان‌ها را شکستند. گفتیم مجلس عزای یکی از اقوامان است. اما فایده‌ای نداشت. فقط می‌زدند. سرچند نفر شکست و از سرو صورتمان خون جاری بود.^۳

از غصه‌ی کشف حجابش دق کرد

مادر بزرگ مادرم در زمان کشف حجاب چهار ماه در خانه محبوس ماند اما بالاخره یک روز که برای حمام رفتن به همراه دخترهایشان از خانه خارج می‌شوند قزاق‌ها چادر را از سر او و دخترانش می‌کشند. همین که احساس می‌کند موهایش معلوم می‌شود، بیهوش می‌شود و پس از مدتی از غصه‌ی این ماجرا دق مرگ می‌شود. شوهرش هم که مرد مقیدی بود چندی پس از او فوت می‌کند.^۴

۱. قندان‌های همیشه پر، علیرضا اشرفی نسب، روایت‌هایی کوتاه از مقاومت‌های مردمی در مقابل قانون ممنوعیت روضه، ص ۷
 ۲. خاطره از آقای مهدی عبدخدایی از اعضای فدائیان اسلام
 ۳. قندان‌های همیشه پر، علیرضا اشرفی نسب، روایت‌هایی کوتاه از مقاومت‌های مردمی در مقابل قانون ممنوعیت روضه، ص ۱۸
 ۴. خاطره از نزدیکان شاهد عینی از استان کرمان

تعهد بدهید که هرگز روضه نخوانید



آخوندها را که می گرفتند، می بردند ساختمان چهار طبقه‌ی خیابان ارگ، تنها ساختمان چهار طبقه‌ی آن زمان مشهد. به جرم روضه خوانی یک ماه حبس شان می کردند. قبایشان را قیچی قیچی می کردند و تعهد می گرفتند که دیگر روضه نخوانند.^۱

جنازه‌ی او از خانه بیرون رفت

برای جشن توزیع دیپلم در مدارس دخترانه، قرار شد شاه، وزرا و معاونین و مدیرکل‌ها با خانم‌های خود به صورت بی حجاب حاضر شوند. خانمم به من گفت مرا طلاق بده و از این امر معاف بدار اما... به ناچار با کراحت با دخترهایم در جشن حاضر شدند. بعد از مراجعت از آنجا، خانم من مریض شد و دیگر از خانه بیرون نیامد و از غصه فوت شد و جنازه‌ی او از خانه بیرون رفت...^۲

همه می لرزیدند



سرداب خانه جای امنی بود که صدای روضه‌خوانی‌مان به گوش چماق‌دارهای رضاخان نمی‌رسید. اما هم خیلی کوچک بود هم خیلی سرد. دست و پاهایمان از ترس و سرما می لرزیدند اما هنوز روضه خوان «السلام علیک یا اباعبدالله...» را نگفته بود که شانه‌های همه لرزید...^۳

به جرم حجاب زن را زنده زنده سوزاندند

بنده خودم در تهران شاهد به آتش کشیدن یکی از زنان توسط مأموران رضاخان بودم که برای از سر کشیدن چادرش در مقابل آن‌ها مقاومت می کرد.^۴

۱. قندان‌های همیشه پر، علیرضا اشرفی نسب، روایت‌هایی کوتاه از مقاومت‌های مردمی در مقابل قانون ممنوعیت روضه، ص ۴۲

۲. خاطرات صدرا لاشراف، محسن صدر معروف به صدرا لاشراف، سیاستمدار وقت

۳. قندان‌های همیشه پر، علیرضا اشرفی نسب، روایت‌هایی کوتاه از مقاومت‌های مردمی در مقابل قانون ممنوعیت روضه، ص ۴۵

۴. خاطره آقای غیوری از شهرری. Navana.ir

با آل علی هر که در افتاد...



اما یک جبهه‌ی وسیع مردمی شکل گرفت. از کوچک‌ترین روستاهای دورافتاده کشور تا شهرهای بزرگی مثل تهران، مشهد، اصفهان و... مردمی که ایستادند به عشق اهل بیت پیامبر، به عشق حسین علیه السلام مردمی که حاضر بودند همه چیزشان را بدهند تا حجاب و مجلس روضه‌ی عزاداری امام حسین علیه السلام بماند. نخ تسبیحی که بیدارگر تمام حرکت‌های انقلابی طول تاریخ تشیع در مقابل جریان‌های ظالم و زورگوبود:

#حسین و #حجاب



رضاخان که طبق آموزش اربابانش می‌دانست #حسین و #حجاب در یک مسیرند، تا پایان حکومت خود علناً با خشونت تمام و هتاکانه به ممنوعیت عزاداری برای سیدالشهدا علیه السلام و کشیدن چادر از سر زنان ایران ادامه داد.

اما شیوه‌ی پسرش محمد رضا برای هتک حرمت عفاف و حیا و فرهنگ عاشورا به نسبت پدر، کمی غیر مستقیم‌تر و پنهانی‌تر و شاید مؤثرتر بود. اقدامات سلسله‌ی پهلوی و زخمی که بر پیکر فرهنگ ایران زدند برای ملت غیرتمند ایران قابل تحمل نبود، مردم پای شرافت و غیرت‌شان ایستادند و در نهایت با عنایت امام حسین علیه السلام و با پیروزی انقلاب اسلامی که به حق انقلاب غیرت مردم این سرزمین بود، اهداف و برنامه‌های پهلوی ناکام ماند.

شاید نقطه‌ی عطف تمام این وقایع همان سخن امام گرانقدر انقلابمان باشد که فرمودند:

«این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.»

....

اصلا حسین یعنی غیرت!!
انگار همه‌ی قصه‌های **حسینی** به غیرت می‌رسند
حتی انتهای صحنه‌ی زیبای رزم **حسین** به زیبایی غیرت گره خورد،
آنگاه که در گودال قتلگاه با مشاهده‌ی حمله‌ی دشمن به خیمه‌ها
به سختی از جای برخاست...
و محرم فرصت دوباره‌ی زنده شدن **#غیرت‌ها در #هیئت‌هاست...**
سلام بر غیرت حسین (ع)

#سلطنت-هتاک
#از-روضه-تا-روسی



www Reihaneh.ir

SMS ۳۰۰۰۲۱۰۴

@Javaherane